

آسیب‌شناسی تربیت سیاسی از منظر قرآن با تأکید بر دیدگاه قائد شهید رضوان‌الله‌علیه؛ واکاوی چالش‌ها و ارائه راهکارها*

فاطمه سادات مرتضویان^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی تربیت سیاسی از منظر قرآن کریم و با تأکید بر دیدگاه‌های قائد شهید^ع، به بررسی چالش‌ها و موانع موجود در مسیر تربیت سیاسی اسلامی پرداخته است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و تلاش دارد با تحلیل آیات قرآن و بیانات رهبر شهید^ع، ابعاد مغفول تربیت سیاسی را آشکار سازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تربیت سیاسی در اندیشه قرآن و نگرش رهبر شهید^ع جایگاهی بنیادی در رشد آگاهی، مسئولیت‌پذیری و هویت‌سازی جامعه اسلامی دارد؛ با این حال موانع فردی و اجتماعی متعددی مانع تحقق آن می‌شوند. در حوزه فردی، عواملی همچون علم‌زدگی بدون تهذیب، استبداد رأی، سطحی‌نگری و ناامیدی مانع شکل‌گیری نگرش سیاسی عمیق و تحلیل‌محور در افراد می‌شود و آنان را از ایفای نقش اجتماعی بازمی‌دارد. در بعد اجتماعی نیز چالش‌هایی نظیر کمبود معلمان بصیر و آشنا با نظام تربیت سیاسی، الگوگیری از افراد فاقد صلاحیت سیاسی و علمی، جنگ رسانه‌ای و عملیات شناختی، جناح‌زدگی و نزاع‌های سیاسی و انزوا یا انفعال سیاسی در تضعیف تربیت سیاسی نقش اساسی دارند. بر اساس یافته‌ها، تحقق تربیت سیاسی اسلامی مستلزم پیوند میان تعلیم و تربیت اخلاقی، تقویت تفکر انتقادی، گسترش

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۶ / مقاله ترویجی

۱. طلبه سطح چهار تفسیر تربیتی مؤسسه علمی - تحقیقی مکتب نجس^ع، مشهد، ایران / f.mortazavian@yahoo.com

امید اجتماعی، تربیت معلمان شایسته، اصلاح نظام الگوپذیری، تقویت سواد رسانه‌ای نسل جوان، ایجاد وحدت و پرهیز از منازعات جناحی و تشویق به مشارکت فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. در مجموع، مقاله تأکید می‌کند که بازگشت به آموزه‌های قرآن و توصیه‌های رهبر شهید می‌تواند زمینه‌ساز تربیت سیاسی پویا و جامعه‌ای آگاه و برخوردار از هویت اسلامی باشد.

کلید واژگان: آسیب‌شناسی تربیت سیاسی، قائد شهید، موانع فردی، موانع اجتماعی.



۱۷۴

سال چهارم، شماره ششم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

مقدمه

تربیت سیاسی، فرآیندی هدفمند است برای پرورش شهروندانی آگاه، مسئول و متعهد به ارزش‌های دینی و اخلاقی؛ شهروندانی که در راستای تحقق جامعه‌ای آرمانی گام برمی‌دارند. قرآن کریم و رهنمودهای قائد شهید^ع به عنوان منابع غنی معرفت، نقشه راهی را برای نیل به این مهم ارائه می‌کنند. با وجود این، در مسیر تربیت سیاسی، چالش‌ها و آسیب‌هایی وجود دارد که توجه به آن‌ها و یافتن راه‌حل‌های مناسب، ضرورتی انکارناپذیر است.

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های ارزشمندی در زمینه اصول و ارزش‌های سیاسی در قرآن کریم و تأثیر آن‌ها بر تربیت سیاسی انجام شده است. همچنین پژوهش‌هایی در خصوص نگرش قرآنی رهبر شهید^ع به تربیت سیاسی و نقش ایشان در تفسیر آیات مرتبط با سیاست و حکومت اسلامی انجام شده، مانند پایان‌نامه «روش‌های تربیت سیاسی در قرآن با تأکید بر آراء مقام معظم رهبری (دامت برکاته)» به قلم **سید محمد هادی**، پایان‌نامه «اصول و مبانی تربیت سیاسی از دیدگاه قرآن و روایات» اثر **فاطمه بوجار**، مقاله «بررسی اهداف تربیت سیاسی در قرآن با تأکید بر مبانی و اصول تربیتی» نوشته **محمد داودی و مهدی فاضلی دهکردی** و

اما بسیاری از این پژوهش‌ها به ارائه صرف مبانی و مفاهیم تربیت سیاسی اکتفا کرده و راهکارهای عملی و کاربردی برای تحقق این مهم ارائه نداده‌اند. فقدان پژوهشی که به طور جامع به بررسی چالش‌ها و موانع پیش روی تربیت سیاسی بپردازد، ضرورت انجام این پژوهش را دوچندان می‌کند.

تحقیق پیش‌رو با استفاده از روش تحلیل محتوایی در بررسی متون قرآنی و بیانات رهبر شهید می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که در رویکرد قرآنی ایشان، چه موانع و آسیب‌هایی بر سر راه تربیت سیاسی وجود دارد.

این مقاله با هدف آسیب‌شناسی تربیت سیاسی در پرتوی آموزه‌های قرآن و دیدگاه‌های قائد شهید^ع، به بررسی این موانع در دو حوزه فردی و اجتماعی می‌پردازد.

مفهوم‌شناسی

تربیت از ریشه "ربو" به معنای فزونی و نمو است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲۶/۹).
راغب اصفهانی می‌نویسد: «رب در اصل به معنای تربیت است و آن به معنای ایجاد چیزی به صورت تدریجی و در فرایند است تا به کمال خود برسد» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ۳۳۸). **مصطفوی** معتقد است میان سه واژه "ربیء" مهموز و "ربب" و "ربو" تفاوت وجود دارد؛ "ربیء" به معنای علو و بلندی، "ربب" به معنای کشاندن به سوی کمال و "ربو" به معنی پذیرش گستردگی و شکوفایی است که نتیجه‌اش زیادی و فضل باشد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ۳۴/۴).

بنا بر معانی ذکر شده می‌توان گفت: تربیت، فرایند کمک به فرد تربیت‌پذیر است برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر، به دنبال دستیابی وی به کمال و شکوفاسازی استعدادها یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او می‌باشد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۷۷/۳).

تربیت، فرآیندی تعاملی در محیط اجتماعی است که در آن افراد از طریق تجربیات، آموزش و تأثیرگذاری‌های محیطی، ارزش‌ها، نگرش‌ها و اخلاقیات متعددی را فرا می‌گیرند (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۲۰/۱). تربیت سیاسی به معنای پاس‌داشتن ملک، نگهداری، حراست، حکم‌راندن بر رعیت، ریاست و داوری است (دهخدا، لغت‌نامه). این واژه در اصطلاح یعنی همت گماشتن به اصلاح مردم با ارشاد و هدایت آنان به راهی که در دنیا و آخرت موجب رهایی و نجاتشان شود (ولایی، ۱۳۹۵، ۹).

تربیت سیاسی به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن افراد نه تنها نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های مرتبط با سیاست و حکومت را یاد می‌گیرند، بلکه به شکلی پویا در تشکیل نظرات و تصمیمات سیاسی در جامعه شرکت می‌کنند. تربیت سیاسی نقش مهمی در توسعه فهم افراد از سیاست داشته و تأثیر آن بر جامعه بسیار زیاد است. این نوع تربیت مسئولیت‌پذیری، حقوق و وظایف شهروندی و تعهد به مشارکت سیاسی را ترویج می‌کند (جان، ۱۳۸۵، ۱۸۰).

موانع تربیت سیاسی در قرآن با تأکید بر نگرش قائد شهید

موانع و چالش‌های متعددی در حوزه‌های فردی و اجتماعی بر سر راه تربیت سیاسی قرار دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. حوزه فردی

نخست به عوامل مختلفی که می‌توانند بر فهم سیاسی و مشارکت افراد تأثیر منفی بگذارند اشاره می‌شود.

۱. علم‌زدگی (علم بدون تربیت)

"علم‌زدگی" ترجمه عبارت انگلیسی "Knowledge without character" است. این مفهوم نشان‌دهنده وجود دانش و آگاهی در فرد بدون توجه به ارزش‌ها، اخلاقیات و اصولی است که باید در استفاده از این دانش رعایت شوند. به عبارت دیگر علم‌زدگی نمایانگر وضعیتی است که شخص دانش فنی یا علمی دارد، اما اخلاق و انگیزه‌های اخلاقی برای استفاده از آن دانش به اندازه کافی در او تقویت نشده است. این حالت

می‌تواند منجر به توسعه دیدگاه‌هایی شود که فاقد بعد انسانی و اخلاقی هستند (مهدوی، ۱۳۹۱، ۲۵).

آیات قرآن کریم همواره بر محدودیت دانش بشر و لزوم اتکا به وحی و اخلاق در کنار علم تأکید داشته و تقوا را معیار کرامت انسانی می‌داند نه صرفاً دانش و تخصص را: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵).^۱

و نیز: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳).^۲

لزوم همراهی تعلیم (آموزش) با تربیت (پرورش اخلاق) را می‌توان از طریق برجسته‌سازی آیاتی اثبات کرد که همزمان بر اهمیت دانش، تفکر، تدبیر و نیز اخلاق، پاکی نفس و تعالی روحی تأکید دارند.^۳

قائد شهید^۴ در این باره می‌فرماید: «حقیقت مطلب هم این است که علم و عقل ابزار دو جنبه‌ای است؛ می‌تواند در خدمت ارزش‌ها قرار بگیرد، می‌تواند در خدمت حیوانیت و سبُعیت قرار بگیرد... اگر مدیریت علم دست انسان‌های صالح باشد، این مسائل پیش نمی‌آید و علم در خدمت بشریت قرار خواهد گرفت؛ چون این ظرفیت را دارد و می‌تواند این‌طور باشد. بنابراین، این که ما بیاییم علم را سکولاریزه کنیم؛ ثابت کنیم که علم نمی‌تواند با ارزش همراه باشد، یک مغالطه بسیار بزرگ و فریب بزرگ برای ذهن انسان‌هاست؛ نخیر! علم می‌تواند با ارزش همراه باشد. معنویت اسلامی با

۱. اسراء: ۸۵؛ و درباره روح از تو می‌پرسند، بگو: «روح از [سنگ] فرمان پروردگار من است، و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است».

۲. حجرات: ۱۳؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

۳. علق: ۱-۵؛ اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم^{علیه السلام}، بر اهمیت یادگیری و استفاده از قلم برای دستیابی به دانش تأکید دارند، اعلی: ۱۴: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»، این آیه بر اهمیت تزکیه نفس و پاکی اخلاقی تأکید دارد، طه: ۱۱۴: «... وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»؛ و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای» و... .



حیوانیت، با فساد و با سوءاستفاده از علم مشکل دارد، نه با دانش و فناوری و تحقیق. می‌تواند معنویت همراه با علم باشد و می‌تواند نتایج دانش و پژوهش در جهت معنویت حرکت کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱).

در پایان می‌توان گفت علم‌زدگان برای منافع شخصی یا گروهی خود، ستم و ظلم را توجیه نموده و برای دفاع از حقانیت دین، هیچ تلاش و جهادی نمی‌کنند و این، با نگاه قرآنی و رهبری سازگار نیست. به همین دلیل، علم‌زدگی را می‌توان یکی از عوامل آسیب‌زا و مانع تربیت سیاسی اسلامی دانست.

۲. استبداد رأی در تجزیه و تحلیل مسائل

استبداد رأی به حالتی اشاره دارد که در آن فرد به شدت به نظرات و تحلیل‌های خود پایبند است و از پذیرش یا حتی در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و تحلیل‌های متفاوت یا مخالف خودداری می‌کند.

استبداد رأی در تجزیه و تحلیل مسائل، پیامدهای زیادی دارد. مانند: محدود شدن منابع و معیارهای تحلیل و تصمیم‌گیری، کاهش تعامل و همکاری با دیگران، عدم درک صحیح از واقعیت‌های جامعه و افزایش احتمال خطا در تصمیم‌گیری.

قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد که در امور خود مشورت کرده، به نظرات دیگران گوش داده و آن‌ها را با عقل بسنجند. همچنین توصیه کرده با دانش و حکمت، بحث کنند و از جدال، تفرقه و نزاع پرهیز نمایند: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۱، طبق این آیه، انسان عاقل کسی

۱. زمر: ۱۸: به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند؛ اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.

است که به همه اقوال گوش می‌دهد اما در گزینش، دقت نموده و سخن خوب و حسن را تبعیت می‌نماید (قشیری، ۱۴۲۸، ۲۷۴/۳).

همچنین: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»^۱؛ در این آیه خداوند به پیامبر اکرم ﷺ دستور می‌دهد که با یاران خود مشورت کند و به آن‌ها نشان دهد که از آن‌ها کمک می‌خواهد و نظرات آن‌ها را می‌شنود تا برای خودشان بهتر باشد در حالی که به دلیل ارتباط با وحی از این کار بی‌نیاز بود (حموش، ۱۴۲۹، ۱۱۶۱/۲).

رهبر شهید^۲ نیز در سخنرانی‌های متعدد، مخاطب را به شنیدن سخنان و نظرات دیگران تشویق نموده و از استبداد رأی بر حذر می‌داشتند: «وقتی که دو طرف با تعصب با یکدیگر مشغول بحث و جدل می‌شوند، بسیاری از حرف‌های منطقی لگدمال خواهد شد. حرف‌های منطقی را هم دیگر کسی نمی‌شنود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱۰/۱۸).

بنابراین استبداد رأی، یکی از موانع خطرناک در مسیر تربیت سیاسی است. برای مقابله با این پدیده، باید بر آموزش و پرورش صحیح افراد، ترویج فرهنگ گفتگو و مناظره در جامعه و اهمیت مشورت و تبادل نظر در تصمیم‌گیری تمرکز کرد.

۳. سطحی‌نگری

سطحی‌نگری به معنای نگاه کلی و گذرا به مسائل و عدم توجه به ابعاد عمیق و پیچیده آن‌هاست. افراد سطحی‌نگر به جای تحلیل عمیق و جامع، به سطح و پوستل

۱. آل عمران: ۱۵۹: پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُرمهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار[ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم‌گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.



مسائل رضایت داده و از اندک اطلاعات و دانش خود برای قضاوت و اظهارنظر استفاده می‌کنند.

سطحی‌نگران در حقیقت فاقد بینش سیاسی بوده و نمی‌توانند رابطه علت و معلول، عامل و مؤثر، هدف و وسیله را در سطح سیاسی شناسایی کنند. آن‌ها به راحتی تأثیر می‌پذیرند و با شعارها، پروپاگانداها، حالات لحظه‌ای، جذاب‌سازهای ظاهری و سخنان خوشایند فریب می‌خورند. آن‌ها عادت دارند که به صورت جزئی به مسائل سیاسی پرداخته و بیشتر به حالات فوری، خبری یا روزمرگی توجه کنند. همچنین از دیدگاه‌های چالش‌برانگیز، نقادانه، پژوهشگرانه، تاریخی یا آینده‌نگارانه خود دورند (شالچیان ناظر، ۱۳۹۸، ۲۵۳).

نقطه مقابل سطحی‌نگری، تفکر و تحقیق است که قرآن کریم به شکل‌های مختلف، آن را از مسلمانان خواسته و دستور داده در اموری مانند آیات خدا در آفاق و انفس، تاریخ و سیره پیامبران و تعاملات اجتماعی بیندیشند.

برای مثال در آیه ۱۹۰ سورة آل عمران آمده است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»^۱.

آیات قرآن تنها برای خواندن نیست، بلکه برای فهم و درک مردم نازل شده و تلاوت و خواندن آیات مقدمه‌ای است برای اندیشیدن. لذا در آیه فوق نخست به عظمت آفرینش آسمان و زمین اشاره شده و در ادامه از آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمدو شد شب‌وروز به عنوان نشانه‌های روشن برای صاحبان خرد و اندیشمندان سخن به میان آمده و به این ترتیب مردم را به اندیشه در این آفرینش بزرگ جلب و جذب نموده تا هر کس

۱. آل عمران ۱۹۰: مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه‌هایی [قانع کننده] است.

به اندازه استعداد و تفکرش از این اقیانوس بیکران سهمی ببرد و از سرچشمه صاف اسرار آفرینش سیراب گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۱۴/۳).

در بیان ضرورت تفکر و فهم دقیق همین آیه بس که می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»: آیه اشاره است به دو حال انسان، یکی این که سر بلند کند و آیات حق و راه راست را ببیند، دیگری این که سر پایین انداخته و بدون توجه راه رود. معلوم است که اولی هدایت‌یافته‌تر است و به مقصود می‌رسد (قرشی بنایی، ۱۳۷۴، ۲۶۶/۱۱).

به بیان دیگر آیه به تمایز بین کسی که بدون تفکر به راه خود ادامه می‌دهد و کسی که با دیدگاه روشن و فهم درست در مسیر صحیح قدم برمی‌دارد، اشاره دارد که از آن می‌توان به ضرورت داشتن بینش و فهم عمیق در زندگی در تمام ساحت‌ها حتی مسائل سیاسی رسید.

رهبر شهید علیه السلام نیز با توجه به همین نگاه عمیق، همواره جامعه اسلامی را از سطحی‌نگری بر حذر می‌داشتند: «فکر نکردن در لایه‌های زیرین ظواهر، عیب بزرگی است؛ مواظب باشید به این عیب دچار نشوید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹).

برای مقابله با سطحی‌نگری باید فرهنگ تفکر نقادانه، افزایش آگاهی و دانش عمومی، تشویق به گفتگو و مباحثه سازنده و مهارت‌های تحلیلی افراد را از طریق آموزش در محیط‌های مختلف تقویت نمود.

۴. ناامیدی

ناامیدی به وضعیتی اشاره دارد که افراد از دست دادن امید و ایمان به تغییر و بهبود در اوضاع را تجربه می‌کنند. این موضوع به طور خاص در زمینه تربیت سیاسی اهمیت دارد. زیرا افراد برای رشد و شکوفایی در ساحت‌های مختلف، نیاز به ایمان و امید دارند.

ناامیدی در جامعه موجب کاهش مشارکت سیاسی افراد در فعالیت‌های سیاسی، کاهش اعتماد به نظام حاکم، افزایش نارضایتی در جامعه، کاهش انگیزه و توانایی در اصلاح و بهبود اوضاع می‌شود.

معنای ناامیدی در قرآن کریم ۱۲ بار به کار رفته در حالی که واژه امید ۳۶ بار آمده که نشان از اهمیتی است که در زندگی انسان دارد (ساکي و مروتی، ۱۳۹۳، ش ۸۴). قرآن کریم در چندین آیه به این نکته اشاره دارد که ناامیدی از رحمت خدا، علامت کفر و نفاق است.

برخی از این آیات عبارتند از:

«وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف / ۸۷)؛^۱ از فرج و رحمت خدا جز مردمان کافر هیچ کس ناامید نمی‌شود، زیرا شخص مؤمن پیوسته از خدا خیر و خوبی می‌بیند و هنگام گرفتاری و بلا امید فرج از او دارد و موقع گشایش و رفاه او را سپاس می‌گوید (طبرسی، ۱۳۷۵، ۲۴۲/۳).

قائد شهید^۲ نیز بارها بر اهمیت امیدواری و پرهیز از ناامیدی تأکید کرده و آن را کلید پیشرفت و سعادت جامعه دانسته‌اند: «امید مهم‌ترین ابزار پیشرفت است و دشمن روی این متمرکز شده؛ دشمن از همه توان دارد استفاده می‌کند برای القای ناامیدی، برای القای بن‌بست. یک جوانی هم که با مسائل دنیا آشنا نیست، گاهی می‌بیند و تحت تأثیر قرار می‌گیرد، او هم مأیوس می‌شود؛ وقتی مأیوس شد، کار نمی‌کند. پیشرفت احتیاج دارد به امید. دشمن روی امید ملت ایران متمرکز است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۸/۲۸). «بعضی‌ها خیال می‌کنند امیدآفرینی، پنهان کردن ضعف‌هاست، خودفریبی است؛ نه، ضعف‌ها هم باید بیان بشود، اشکالی ندارد؛ اما در کنار بیان ضعف‌ها بایستی

۱. از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود.

امیدآفرینی هم بشود، آینده و افق روشن در مقابل چشم قرار بگیرد و نشان داده بشود. وضع ما بحمدلله وضع خوبی است. ما امروز باید این آیه شریفه را در نظر بگیریم: «و لا تهنوا»، سست نشوید، «و لا تحزنوا»، اندوهگین نشوید، «و ائتّم الاعلون»، شما برترین هستید، «ان کُنتم مؤمنین»؛ ایمان شما موجب علوّ شماست، موجب برتری شماست» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۰۱/۰۱).

ناامیدی یکی از موانع جدی در مسیر تربیت سیاسی صحیح است. با ترویج فرهنگ امیدواری، تقویت باورهای دینی و معنوی، آموزش تفکر انتقادی و واقع‌بینانه، تشویق به مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی و معرفی الگوهای موفق می‌توان با این پدیده مقابله کرد و به افراد امید به آینده و توانایی آن‌ها در ایجاد تغییر را القا نمود.

ب. حوزه اجتماعی

هدف تربیت سیاسی، آماده‌سازی افراد برای حضور فعال، مسئولانه و آگاهانه در عرصه‌های سیاسی جامعه است. موانع اجتماعی مختلفی مانع تحقق این هدف متعالی در تربیت سیاسی می‌شود که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. نبود معلم با بصیرت و آگاه به نظام تربیت سیاسی در مراکز آموزشی

مفاهیم کلیدی در تربیت سیاسی، ترویج تفکر انتقادی، تقویت مهارت‌های تحلیلی و ایجاد تعهد به ارزش‌های دموکراتیک و عدالت اجتماعی از طریق آموزش حاصل می‌شود.

معلمان به عنوان هدایتگران فرآیند یادگیری، نقش اساسی در تربیت سیاسی دانش‌آموزان و دانشجویان ایفا می‌کنند. آن‌ها می‌توانند با استفاده از روش‌های تدریس

خلاقانه، انگیزه دانش‌آموزان را برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، بررسی مسائل اجتماعی و درک نظام‌های سیاسی مختلف برانگیزند.

متأسفانه در بسیاری از مدارس و مراکز آموزشی، معلم دلسوز و آگاه به نظام تربیت سیاسی وجود ندارد و حتی گاه شاهد حضور افرادی با گرایش‌های مخالف نظام و اصل مهم تربیت سیاسی هستیم که این امر سبب بی‌تفاوتی متری نسبت به نظام و سیاست و حتی احساس تنفر در او می‌شود.

برای تأیید و اهمیت وجود معلمانی با بصیرت و آگاه به نظام تربیت سیاسی در فرآیند تربیتی، می‌توان از آیاتی استفاده کرد که تأکید بر اهمیت دانش، بصیرت و راهنمایی صحیح دارند.^۱

در بیانات رهبر شهید^{علیه السلام} بر اهمیت نقش معلمان در تربیت تأکید شده است. ایشان معتقد بودند که معلمان باید نسل جوان را به هویت مستقل و با عزت ملی و دینی مجهز کنند و در آن‌ها تفکر انتقادی و استقلال رأی را پرورش دهند: «معلم یعنی آن کسی که می‌تواند خصوصیات اخلاقی خوب را در بچه پرورش دهد؛ معلومات خوب را؛ فکر کردن را؛ استقلال رأی را به کودک بیاموزد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۲/۱۵).

۱. سوره طه: ۱۱۴: «... وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» و بگو: پروردگارا، بر دانشم بیفزای، سوره علق: ۱-۵: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ...» بخوان به نام پروردگارت که آفرید انسان را از خون بسته ای خلق کرد! بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است. همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود. و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد، سوره آل عمران: ۱۶۴: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ... يَرْكَبُهُمْ وَيَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

حال باید دید «ما چگونه نسلی می‌خواهیم؟ ما اول چیزی که لازم است برای دانش‌آموز خودمان در نظر بگیریم، این است که در او هویت مستقل ملی و دینی به وجود بیاوریم؛ این اولین چیز؛ هویت مستقل و با عزت» (خامنه‌ای، ۱۳/۰۲/۱۳۹۵).

«معلم‌ان پایه‌ریز تمدن نوین هستند؛ چون نیروی انسانی شایسته اگر نباشد، تمدنی به وجود نخواهد آمد (خامنه‌ای، ۱۱/۰۲/۱۳۹۸).

لذا ترویج فرهنگ معلم‌پروری در زمینه تربیت سیاسی، گزینش و به‌کارگیری معلم‌ان متعهد و متخصص در امر تربیت سیاسی، حمایت و پشتیبانی از معلم‌ان فعال در این حوزه، استفاده از ظرفیت نخبگان و صاحب‌نظران در این موضوع، تدوین و اجرای برنامه‌های درسی جامع و به‌روز در زمینه تربیت سیاسی و استفاده از فناوری‌های نوین در این امر می‌تواند نسلی آگاه، مسئول، متعهد به نظام و ارزش‌های اسلامی و آماده برای حضور فعال در عرصه‌های سیاسی را تربیت نماید.

۲. خطر الگوسازی افراد فاقد جایگاه سیاسی و علمی

الگوپذیری از افراد مشهور (سلبریتی) در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی یکی از موانعی است که در تربیت صحیح سیاسی خلل ایجاد می‌نماید. به عنوان مثال در انتخابات مختلف، افرادی لیست انتخاباتی می‌دهند که نه جایگاه سیاسی دارند و نه جایگاه علمی و دینی، بلکه فقط مشهورند. اگر الگو شدن افراد مشهور، معلم و ... رایج شود، اوضاع خطرناک خواهد شد.

تفکیک بین محبوبیت و صلاحیت یکی از مهمترین موضوعاتی است که باید در مخاطب نهادینه شود تا این مانع مهم از میان برود.

برای تبیین این مانع اجتماعی و نیز برای درک اهمیت انتخاب صحیح الگوها و رهبران، می‌توان به چندین نکته اساسی از قرآن اشاره کرد.

قرآن کریم همواره بر ضرورت رعایت شایستگی، عدالت و تقوا در انتخاب رهبران تأکید دارد. به عنوان مثال در سوره بقره، آیه ۲۴۷، خداوند خطاب به بنی اسرائیل می‌فرماید: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۱.

این آیه به صراحت بیان می‌کند که نام و مقام و شهرنشینی، نشانه برتری نیست. همچنین از کسانی که ملاک برتری را مال و مقام دانسته‌اند، انتقاد شده است. بر در واقع انتخاب الهی، بر اساس لیاقت است، نه گزاف و بیهوده (قرآنی، ۱۳۷۴، ۳۸۶/۱).

قرآن کریم مؤمنان را از پیروی کورکورانه از افرادی که شایستگی رهبری ندارند بر حذر می‌دارد و توصیه می‌کند که در پذیرش اخبار و دنبال کردن افراد، احتیاط کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات: ۶).^۲

علاوه بر این خداوند، کسانی را که به دنبال حقیقت هستند و به سخنان حق گوش می‌دهند ستایش نموده و می‌فرماید: «الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸).^۳

۱. و پیامبرشان به آنان گفت: «در حقیقت، خداوند، طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است.» گفتند: «چگونه او را بر ما پادشاهی باشد با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و به او از حیث مال، گشایشی داده نشده است؟» پیامبرشان گفت: «در حقیقت، خدا او را بر شما برتری داده، و او را در دانش و [نیروی] بدنی بر شما برتری بخشیده است، و خداوند پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست.

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد،] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.

۳. به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند: اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.

طبق این آیه، افراد در شنیدن سخنان باید به کلام توجه کنند نه گوینده تا دچار شخصیت‌زدگی نشوند (قرآنی، ۱۳۷۴، ۸/ ۱۵۷).

رهبر شهید^۱ نیز با بهره‌گیری از رهنمودهای قرآن، بر اهمیت شایسته‌سالاری، بصیرت و مسئولیت‌پذیری در انتخاب رهبران و الگوها تأکید کرده‌اند.^۱ بنابراین می‌توان گفت دقت در نوع انتخاب الگوها و رهبران در جامعه اسلامی بسیار اهمیت دارد و عدم رعایت آن، مانعی مهم در پیاده شدن تربیت سیاسی در جامعه و شکوفایی سیاسی جامعه اسلامی است.

۳. جنگ رسانه‌ای و تأثیر آن بر تربیت سیاسی نسل جوان

در عصر حاضر جنگ رسانه‌ای به یکی از ابزارهای اصلی دشمنان برای نفوذ به جوامع و انحراف افکار عمومی، به ویژه نسل جوان، تبدیل شده است. خداوند متعال در قرآن بر تحقیق و پرهیز از پذیرش بی‌چون و چرای اطلاعات تأکید داشته^۲ و مسلمانان را به دقت در پذیرش اطلاعاتی که به آن‌ها داده می‌شود، فرامی‌خواند. قرآن کریم با تأکید بر لزوم اطمینان از درستی اطلاعات، بر اهمیت استفاده مسئولانه از توانایی‌های شناختی و حسی تأکید نموده و هشدار می‌دهد که مؤمنان در این

۱. مردم باید به فکر شناخت اصلح باشند؛ چون امر کوچکی نیست. مسئله انتخابات، مسئله سپردن سرنوشت بخش عمده امکانات کشور به یک نفر و یک مجموعه است. سرنوشت مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی، روابط خارجی و مسائل گوناگون دیگر تا حدود زیادی به این قضیه وابسته است. من و شما بایستی در بین این مجموعه نگاه کنیم و کسی را که اصلح است، انتخاب کنیم. این هم وظیفه بسیار مهمی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۱).
ملت باید تلاش خود را بکند، باید زحمت بکشد و دنبال اصلح بگردد... همچنان که شرکت در انتخابات یک وظیفه است، گزینش خوب و آگاهانه هم یک وظیفه است (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۲/۱۳).

۲. حجرات: ۶: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ».

خصوص، مسئول خواهند بود. این هشدار به ما یادآوری می‌کند که در عصر اطلاعات، مسئولیت داریم از داده‌ها و اطلاعات به شیوه‌ای درست و سازنده استفاده کنیم، به ویژه در تربیت نسل‌های آینده: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسرا / ۳۶).^۱

رهبر شهید^ع نیز بارها بر اهمیت مقابله با جنگ نرم دشمن و تأثیرات رسانه‌ها بر افکار عمومی، به ویژه در شکل‌دهی نگرش‌ها و باورهای نسل جوان، تأکید کرده‌اند. ایشان جنگ نرم را نوعی جنگ رسانه‌ای و فرهنگی تعریف کرده‌اند که با هدف تغییر ایدئولوژی و باورهای مردم، به ویژه جوانان، طراحی شده است: «امروز جنگ‌های دنیا جنگ‌های ترکیبی است. می‌دانید؛ جنگ سخت و جنگ نرم و جنگ فکری و جنگ فرهنگی و جنگ با سلاح‌های گوناگون و جنگ شناختی و امثال این‌ها با همدیگر مایه تهاجم به یک ملت یا یک کشور است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۷/۱).

برای مقابله با جنگ رسانه‌ای و تربیت سیاسی صحیح نسل جوان، اقدامات زیر ضروری است:

- تقویت بصیرت و آگاهی: نسل جوان باید به ابزارها و دانش لازم برای تشخیص حقیقت از دروغ در محیط‌های رسانه‌ای مجهز شوند.
- استفاده از رسانه‌های داخلی: رسانه‌های داخلی باید با تولید محتوای اصیل و بومی که باورهای دینی و ملی را تقویت می‌کند، در جهت تربیت نسلی مقاوم و آگاه فعالیت کنند.

۱. و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

- ترویج فرهنگ مقاومت و استقلال فکری: تبلیغ و ترویج این فرهنگ می‌تواند نسل جوان را در برابر فرهنگ‌های غربی و تحمیلی محافظت نموده و به آن‌ها کمک کند تا به ارزش‌های خود افتخار کرده و برای حفظ آن‌ها تلاش کنند.

بنابراین جنگ رسانه‌ای و تأثیرات آن بر تربیت سیاسی نسل جوان، موضوعی مهم و چالش‌برانگیز است و باید گام‌های موثری برای مقابله با آن برداشت.

۴. جناح‌بندی و نزاع سیاسی

جناح‌بندی سیاسی به عنوان پدیده‌ای رایج در جوامع انسانی، مزایا و معایبی دارد. تنوع نظرات، افزایش آگاهی و مشارکت مردم و تحکیم وحدت در برابر دشمنان خارجی از جمله مزایای آن به شمار می‌آید. اما زمانی که این جناح‌بندی به نزاع و درگیری تبدیل شود، پیامدهای منفی متعددی را به دنبال خواهد داشت که در تربیت سیاسی صحیح نسل جوان اختلال ایجاد می‌کند.

پیامدهای منفی جناح‌بندی و نزاع سیاسی عبارتند از:

- افزایش تقسیم‌بندی جامعه: اختلافات سیاسی می‌تواند تعصب‌ها و تنش‌ها را در جامعه تشدید کرده و به انشقاق و دوگانگی در میان مردم دامن بزند.
- کاهش اعتماد عمومی: نزاع‌های سیاسی سبب بی‌اعتمادی به نظام و عدم تمایل به مشارکت در فرآیندهای سیاسی می‌شود.
- عدم توجه به مسائل ملی و اصول اخلاقی: افراد به جای تمرکز بر مسائل ملی و اصول اخلاقی، تنها به منافع جناحی و گروهی خود توجه می‌کنند.
- کاهش توانایی در حل مشکلات: نزاع‌های سیاسی و جناح‌بندی توانایی دولت را در حل مشکلات اجتماعی و سیاسی کاهش می‌دهد و به ناکارآمدی و عدم انسجام در امور کشور منجر می‌شود.

- سوء استفاده دشمنان داخلی و خارجی: دشمنان از تفرقه و دوگانگی در جامعه برای نفوذ، ایجاد بی ثباتی و تضعیف کشور سوء استفاده می کنند.

برای مقابله با جناح بندی و نزاع سیاسی و تشویق به گفتگو می توان به آیاتی از قرآن استناد کرد که بر اهمیت وحدت، صلح و اصلاح بین مردم تأکید دارند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اِخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۱۰۵).^۱

«تفرقه سه دسته است: یکی به تن و جان، یکی به فعل، دیگری به اعتقاد. اختلاف نیز همین تقسیم بندی را دارد، اما اختلاف را بیشتر در قول و فعل و اعتقاد به کار می برند و تفرق را در جان. خداوند متعال در این آیه هر دو را جمع کرده یعنی هم تفرق و هم اختلاف که صفت جهودان و ترسایان است. و ایشان هم به تن متفرق بودند، هم به قول و فعل و اعتقاد مختلف. رب العالمین به مؤمنان می گوید: شما چون جهودان و ترسایان مباشید که جهودان پس از موسی (علیه السلام) در دین گروه گروه گشتند، و ترسایان بعد از عیسی (علیه السلام)» (میدی، ۱۳۷۱، ۲/۲۳۵).

در ذیل آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات/۱۰) آمده است رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی کند و به او خیانت نمی کند». در روایات دیگر آمده است خداوند یار و کمک بنده اش است تا زمانی که او یار برادرش باشد. مثال مؤمنان در محبت و رأفت و ارتباطشان مانند بدن واحد است، اگر عضوی از آن شکایت کند، تمام بدن به آن پاسخ می دهد (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۷/۳۵۱). رهبر شهید (علیه السلام) نیز بارها درباره آسیب های جناح بندی و نزاع سیاسی در رشد و بالندگی جامعه تذکرات متعددی داده اند: «بنده دعوی اصلاح طلب و اصولگرا را هم قبول

۱. و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند، و برای آنان عذابی سهمگین است.

ندارم. من این تقسیم‌بندی را غلط می‌دانم. نقطهٔ مقابل اصولگرا، اصلاح طلب نیست. نقطهٔ مقابل اصلاح طلب، اصولگرا نیست. نقطهٔ مقابل اصولگرا آدم بی‌اصول و لاابالی است؛ آدمی که به هیچ اصلی معتقد نیست، آدم هرهری مذهب است... نقطهٔ مقابل اصلاح طلبی افساد است. بنده معتقد به اصولگرایی اصلاح طلبم؛ اصول متین و متقنی که از مبانی معرفتی اسلام برخاسته با اصلاح روش‌ها به صورت روز به روز و نو به نو... «(خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۹).

حال باید دید «چرا همدیگر را تحمل نمی‌کنیم و عیب‌جویی می‌کنیم؟ در یک محیط واحد، با یک جهت‌گیری واحد، یک نقطه و خدشهٔ کوچکی موجب می‌شود که این گروه در مقابل آن گروه بایستد و آن گروه در مقابل این گروه» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

بنابراین جناح‌بندی و نزاع سیاسی به معنای اختلافات سیاسی نه تنها منجر به گفتگو و تفاهم نمی‌شود بلکه به تقابل‌ها و منازعات شدید دامن می‌زند. از نگاه قرآن و قائد شهید، این شرایط نه تنها برای سلامت روانی جامعه زیان‌آور است، بلکه مانع پیشرفت و توسعهٔ اجتماعی بوده و تربیت سیاسی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۵. انزوا و انفعال سیاسی

در تربیت سیاسی، انزوا و انفعال سیاسی به عنوان دو عنصر مهم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

انزوا به معنای عدم مشارکت فعال در امور سیاسی و اجتماعی است و انفعال، عدم تعامل فعال با مسائل سیاسی و اجتماعی می‌باشد. این دو عنصر، اگر به تشدید و بی‌توجهی دچار شوند، تأثیرات منفی زیادی بر تربیت سیاسی جامعه خواهند داشت.

کاهش مسئولیت‌پذیری در فعالیت‌های سیاسی، عدم اشتراک و تعامل میان افراد و گروه‌های مختلف و در نتیجه تشدید تنش‌ها و تناقضات، ضعف توانمندی‌های تحلیلی، ضعف توانمندی‌های تصمیم‌گیری و ضعف وحدت جامعه از پیامدهای انزوا و انفعال سیاسی است.

آیات قرآن کریم و سخنان رهبر شهید نیز تأکید دارند که مسلمانان باید به وحدت، مشارکت و تعامل در امور سیاسی و اجتماعی پرداخته و از انزوا و انفعال سیاسی خودداری کنند.

از این رو تربیت سیاسی در اسلام به دنبال ایجاد شخصیت‌های فعال و اثرگذار در اجتماع است؛ افرادی که بتوانند نقش‌های مثبتی در تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه و چه بسا جهان ایفا کنند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴).^۱

چنان که می‌بینیم قرآن کریم ضمن بیان مسأله امر به معروف و نهی از منکر به مسلمانان دستور می‌دهد که در مسائل و فعالیت‌های سیاسی حضور فعال و مسئولانه داشته باشند. زیرا چنین کاری باعث فلاح و رستگاری خواهد شد. به همین دلیل بازخواست و عقاب در تخلف از این وظیفه، متوجه تک‌تک افراد است (طباطبایی، ۱۳۶۴، ۳/ ۵۷۸).

قائد شهید^ع معتقد بودند که مردم، مشارکت‌کنندگان فعال در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی هستند و تربیت سیاسی باید در قالب ارتقای اخلاق مورد توجه قرار گیرد:

«انزوا و انفعال سیاسی یک بلای عظیم است که بر جامعه اسلامی وارد می‌شود. این بلا باعث می‌شود که مسلمانان از حقوق خود غافل شوند و دشمنان از آن‌ها سوء استفاده کنند. ما باید با شعور و هوشیاری، در مسائل و فعالیت‌های سیاسی شرکت کنیم

۱. و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند.

و از نظام اسلامی حمایت و پشتیبانی کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). زیرا «طراحی دشمن ایجاد اختلاف است، ایجاد ناامیدی است، به جان هم انداختن فعالان سیاسی است، منزوی کردن خط اصیل و ارزش‌های اسلامی است. این کارها، نقشه‌های دشمن است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۸/۸).

«ملت ما از مسائل سیاسی منزوی بود، روگردان بود، حوادث کشور را مورد توجه قرار نمی‌داد. انقلاب این حالت را از ملت ما گرفت، ما را تبدیل کرد به یک ملت آگاه و سیاسی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

در این راستا الگوگیری از سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار برای تدوین و اجرای طرح‌هایی که مشارکت فعال مردم در امور سیاسی و اجتماعی را تشویق می‌کند، می‌تواند در مقابله با انزوا و انفعال سیاسی مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری

تربیت سیاسی صحیح، فرآیندی بنیادین برای پرورش شهروندانی آگاه، مسئول و متعهد بوده و رکنی اساسی در نیل به جامعه‌ای آرمانی و اسلامی است. پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی این حوزه حیاتی در پرتوی آموزه‌های قرآن کریم و رهنمودهای قائد شهید، به شناسایی و دسته‌بندی موانع موجود در دو ساحت فردی و اجتماعی پرداخته و بر اساس یافته‌ها، راهکارهایی متناظر با هر آسیب ارائه می‌دهد.

در حوزه فردی، چهار مانع اصلی وجود دارد که به تضعیف بنیان‌های فکری و اخلاقی شهروندان منجر می‌شوند. در مقابل هر یک از این آسیب‌ها، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. آسیب "علم‌زدگی بدون تهذیب" که به دانش فاقد اخلاق و تعهد انسانی اشاره دارد. راهکار متناظر با آن، تأکید بر پیوند ناگسستنی تعلیم و تربیت اخلاقی در تمام



سطوح آموزشی است. این امر مستلزم آن است که نظام آموزشی، صرفاً به انتقال دانش اکتفا نکرده و پرورش فضایل اخلاقی و تقوا را به عنوان معیار اصلی کرامت انسانی در کنار علم‌آموزی، هدف غایی خود قرار دهد.

۲. آسیب "استبداد رأی" که مانع درک واقعیت‌ها و باعث پذیرش دیدگاه‌های متفاوت می‌شود. راهکار متناظر، تقویت فرهنگ گفتگو، نقدپذیری و مشورت در سطوح مختلف جامعه است. این مهم از طریق آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی در مراکز آموزشی و ترویج روحیهٔ تواضع علمی و پرهیز از تعصب در میان نخبگان و عموم مردم محقق می‌شود.

۳. آسیب "سطحی‌نگری" که به عدم درک عمیق مسائل سیاسی و تأثیرپذیری آسان از جریان‌های انحرافی می‌انجامد. راهکار متناظر، ترویج فرهنگ تدبیر، تعمیق نگرش‌ها و پرورش مهارت‌های تحلیل سیاسی در نسل جوان است. این امر با تشویق به مطالعهٔ تاریخی، تحلیل علت و معلولی پدیده‌ها و پرهیز از قضاوت‌های عجولانه و شتابزده امکان‌پذیر است.

۴. آسیب "ناامیدی" که منجر به کاهش انگیزه برای مشارکت و تلاش برای بهبود اوضاع می‌شود. راهکار متناظر، گسترش امید اجتماعی و تبیین آیندهٔ روشن بر اساس باورهای دینی است. این مهم با تکیه بر وعده‌های قرآنی در مورد یاری خداوند، برجسته‌سازی پیشرفت‌های ملی و مقابله با القائنات دشمن در زمینهٔ بن‌بست و بن‌بست‌زدایی از طریق تقویت ایمان و اعتماد به نفس ملی صورت می‌گیرد.

در حوزهٔ اجتماعی نیز پنج مانع عمده فراروی تربیت سیاسی اسلامی قرار دارد که راهکارهای متناظر با آن‌ها به شرح زیر است:

۱. آسیب "کمبود معلمان بصیر و آگاه" در نظام آموزشی است که راهکار متناظر، تربیت و گزینش معلمان متعهد و متخصص در امر تربیت سیاسی است. تحقق این هدف

نیازمند طراحی برنامه‌های درسی جامع و به‌روز در دانشگاه‌های فرهنگیان، حمایت مادی و معنوی از معلمان فعال در این عرصه و ارتقای جایگاه آنان به عنوان پایه‌ریزان تمدن نوین اسلامی است.

۲. آسیب "الگوگیری از افراد فاقد صلاحیت" به جای رهبران شایسته و بصیر. راهکار متناظر، اصلاح نظام الگوپذیری و ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری در جامعه است. این مهم با تفکیک دقیق بین محبوبیت و صلاحیت، آموزش معیارهای انتخاب اصلح بر اساس قرآن (مانند علم، قدرت، تقوا و عدالت) و پرهیز از شخصیت‌زدگی در پذیرش سخنان افراد محقق می‌شود.

۳. آسیب "جنگ رسانه‌ای و عملیات شناختی" دشمن علیه نسل جوان. راهکار متناظر، تقویت سواد رسانه‌ای و هوشیاری شناختی در برابر جریان‌های معاند است. این مهم با تجهیز نسل جوان به ابزارهای تشخیص حق از باطل در فضای مجازی، تولید محتوای بومی و اصیل توسط رسانه‌های داخلی و ترویج فرهنگ مقاومت و استقلال فکری در برابر هجمه‌های فرهنگی دنبال می‌شود.

۴. آسیب "جناح‌زدگی و نزاع‌های سیاسی" که به تفرقه و انشقاق در جامعه می‌انجامد. راهکار متناظر، ایجاد وحدت و همدلی بر اساس مشترکات ملی و دینی و پرهیز از منازعات جناحی است. این مهم با تکیه بر آموزه قرآنی اخوت ایمانی، تبدیل رقابت‌های سیاسی به گفتگوهای سازنده و تمرکز بر منافع ملی به جای منافع جناحی و گروهی امکان‌پذیر است.

۵. آسیب "انزوا و انفعال سیاسی" که به کاهش مسئولیت‌پذیری و مشارکت عمومی منجر می‌شود. راهکار متناظر، تشویق به مشارکت فعال و مسئولانه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. این هدف با الگوگیری از سیره معصومین (علیهم‌السلام) در امر به معروف و

نهی‌ازمنکر، تدوین طرح‌های تشویقی برای مشارکت مردمی و تبیین نقش حیاتی حضور آگاهانه در سرنوشت سیاسی کشور محقق می‌گردد.

در یک کلام، بازگشت جامع و عمل‌گرایانه به آموزه‌های قرآن کریم و رهنمودهای قائد شهید و اجرای راهکارهای متناظر با هر یک از آسیب‌های فردی و اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز تحقق تربیت سیاسی پویا و شکل‌گیری جامعه‌ای آگاه، متعهد و برخوردار از هویت اسلامی اصیل باشد؛ جامعه‌ای که در آن، افراد با بصیرت و مسئولیت‌پذیری، در مسیر نیل به اهداف والای نظام اسلامی و تحقق عدالت و پیشرفت گام برمی‌دارند.

منابع

* قرآن کریم، ترجمه فولادوند.

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **تفسیر القرآن العظیم**، ج ۷، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. اعرافی، علیرضا، **درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی**، تهران، سمت، ۱۳۹۵ش.
۴. بوجار، فاطمه، «**اصول و مبانی تربیت سیاسی از دیدگاه قرآن و روایات**»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۴ش.
۵. جان، الیاس، **فلسفه تعلیم و تربیت**، ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵ش.
۶. خامنه ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با فرهنگیان**، ۱۳۷۸/۰۲/۱۵ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.
۷. خامنه ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با مسئولان نظام**، ۱۳۸۰/۰۲/۱۱ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.
۸. خامنه ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه ها**، ۱۳۸۳/۴/۱ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.
۹. خامنه ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان**، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.
۱۰. خامنه ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با دانشجویان**، ۱۳۸۴/۲/۱۹ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.
۱۱. خامنه ای، سیدعلی، **خطبه های نماز جمعه تهران**، ۱۳۸۵/۸/۱۸ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.
۱۲. خامنه ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با دانشجویان**، ۱۳۸۵/۱۰/۱۸ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.



۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با مسئولان نظام**، ۱۳۸۷/۸/۸ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با مردم قم**، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.

۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با فرهنگیان**، ۱۳۹۵/۰۲/۱۳ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.

۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با معلمان**، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.

۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با مسئولان نظام**، ۱۴۰۱/۷/۱ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.

۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با دانشجویان**، ۱۴۰۱/۰۸/۲۸ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.

۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی، **پیام نوروزی**، ۱۴۰۲/۰۱/۰۱ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.

۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با مردم قم**، ۱۳۸۵/۱۰/۱۸ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.

۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با جمعی از روحانیون**، ۱۳۷۶/۰۲/۱۳ش، قابل دسترس در: khamenei.ir.

۲۲. داودی، محمد و فاضلی دهکردی، مهدی، «بررسی اهداف تربیت سیاسی در قرآن با تأکید بر مبانی و اصول تربیتی»، **تربیت اسلامی**، س ۸، ش ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ش، صص ۹۵-۱۱۶.

۲۳. دهخدا، **لغتنامه**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.

۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۹ش.

۲۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «تفسیر تربیتی سوره حمد»، **قرآن و علم**، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش، صص ۷۷-۹۴.

۲۶. ساکی، سارا و مروتی، سهراب، «ناامیدی و پیامدهای آن در قرآن و حدیث»، **بینات**، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا، ش ۸۴، زمستان ۱۳۹۳ش، ص ۱۰۲-۸۰.
۲۷. شالچیان ناظر، علی، **سطحی نگری**، تهران، سلوک ما، ۱۳۹۸ش.
۲۸. طباطبایی، محمد حسین، **تفسیر المیزان**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، **ترجمه تفسیر جوامع الجامع**، ج ۳، ترجمه علی عبدالحمیدی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ۱۳۷۵ش.
۳۰. قراتی، محسن، **تفسیر نور**، ج ۱ و ۸، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۴ش.
۳۱. قرشی بنابی، علی اکبر، **تفسیر احسن الحدیث**، ج ۱۱، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۴ش.
۳۲. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، **لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم**، ج ۳، قم، بیدار، ۱۴۲۸ق.
۳۳. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن**، ج ۴، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ش.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۳۵. مکی بن حموش، **الهدایة إلى بلوغ النهایة**، ج ۲، امارات، جامعة الشارقة، ۱۴۲۹ق.
۳۶. مهدوی، رمضان، «علم‌زدگی»، **مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**، ش ۵۰، ۱۳۹۱ش، صص ۴۲-۲۵.
۳۷. میبدی، احمد بن محمد، **کشف الاسرار و عدة الابرار** (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۳۸. ولایی، عیسی، **مبانی سیاست در اسلام**، تهران، خرسندی، ۱۳۹۵ش.
۳۹. هادی، سیدمحمد، «روش‌های تربیت سیاسی در قرآن با تأکید بر آراء مقام معظم رهبری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۹۵ش.